

بسم الله الرحمن الرحيم

آشنایی با جنگ شناختی دشمن

چکیده:

۱- جنگ شناختی عبارت است از وارونه نمایی واقعیت‌های مرتبط با ایران و تلاش برای تصرف و تسخیر ذهن و محاسبات مردم، نخبگان، و مسئولان از طریق جعل، تحریف، تقطیع و کتمان سازی حقایق و واقعیت‌ها، در کنار سایر ابعاد جنگ ترکیبی همچون جنگ سیاسی، محاصره اقتصادی، جنگ اطلاعاتی - امنیتی یکی از مهم‌ترین ابعاد و تکمیل‌کننده جنگ ترکیبی علیه ملت ایران و نظام اسلامی است.

۲- به دلیل تضاد و تقابل ایدئولوژیکی، تلاش برای تغییر موازنه قدرت به نفع خود، موقعیت راهبردی جمهوری اسلامی ایران، وجود چالش‌ها و مشکلات عینی در داخل کشور، شکست راهبردهای نظامی-امنیتی و تحریم‌ها، گسترده‌گی ابزارهای جنگ شناختی، نقص‌ها و کمبودهای مدیریتی و ناکارآمدی در سطوح مختلف نظام اداری، بی‌ضابطه بودن فعالیت در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی و دشواری نظارت بر

آن‌ها، از جمله بسترها و عوامل موجب به‌کارگیری راهبرد جنگ شناختی جبهه دشمن در تقابل با ملت ایران شده است.

۳- اصلی‌ترین اهداف دشمن در جنگ شناختی شامل؛ تخریب عوامل ماندگاری و پایداری انقلاب اسلامی، بدیل‌سازی برای جمهوری اسلامی ایران، ادراک‌سازی جعلی برای مردم، نخبگان و مسئولان، از بین بردن پویایی درونی جامعه ایرانی و حاکم‌سازی ناامیدی و بی‌تحركی و سستی است.

۴- مهم‌ترین راهکارهای خنثی‌سازی جنگ شناختی عبارت‌اند از: شناخت دشمن، حفظ آمادگی همه‌جانبه، جهاد تبیین با بهره‌گیری از شیوه‌ها و فن‌های علوم شناختی و روانشناسی اجتماعی، افزایش آگاهی و سواد فضای مجازی، ارتباط‌گیری صمیمی مسئولین با نسل چهارم و پنجم انقلاب، امیدآفرینی و افزایش سرمایه اجتماعی، تسریع در حل مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم، اجرای عدالت در همه حوزه‌ها، ارتقاء حکمرانی و توانمندسازی دولت و اصلاح نظام اداری ناراضی‌ساز، شایسته‌سالاری و افزایش آگاهی تاریخی.

آشنایی با جنگ شناختی دشمن

مقدمه :

انقلاب اسلامی و نظام سیاسی بر خواسته از آن در طول حیات خود با انواع بحران‌های سیاسی، نظامی و امنیتی مواجه بوده ولی با تأمل در ماهیت و شکل بروز بحران‌ها، اعتراضات و اغتشاشات یک دهه اخیر و روند شناسی آن، نشانگر گذار و تحول بحران‌های سخت و نیمه سخت مثل جنگ تحمیلی و اقدام نظامی مستقیم به پیچیده‌تر و هوشمندانه‌تر شدن عرصه تقابل نظام استکبار با ملت ایران است. جبهه دشمن با محوریت آمریکا درصدد از بین بردن مؤلفه‌های هویت‌بخش ملت ایران هستند و چون قلب و ذهن انسان‌ها، مرکز باورها، عقاید، کنش و واکنش هستند، با استفاده از شیوه‌های نوین جنگ شناختی که فراتر و عمیق‌تر از جنگ روانی است، نسبت به تضعیف و تخریب باورها و ارزش‌های دینی و سیاسی ملت ایران می‌پردازند.

بنابراین راهبرد «فشار حداکثری» با محوریت «جنگ ترکیبی» از سوی دشمنان ملت ایران به شدت دنبال می‌شود. مقام معظم رهبری در تبیین این حقیقت بیان فرمودند: «دشمنان ما امروز به یک تهاجم ترکیبی دست‌زده و تهاجم دشمن یک تهاجم ترکیبی است که جنبه‌های اقتصادی، سیاسی، امنیتی، رسانه‌ای و دیپلماسی را در بردارد و از همه جهت یک حمله ترکیبی

دسته‌جمعی را شروع کرده‌اند». جنگ ترکیبی، جنگی است که در آن، از شیوه‌ها و ابزارهای مختلف استفاده می‌شود و یکی از مهم‌ترین محورهای آن، جنگ شناختی و جنگ رسانه‌ای - روانی با محوریت تغییر و کانالیزه کردن ذهنیت و محاسبات مردم، نخبگان و مسئولان از طریق جعل حقایق و واقعیت‌ها، تحریف و دروغ‌پراکنی است. نقطه‌ی هدف دشمن در جنگ شناختی «تسخیر و تصرف اذهان و افکار» است که موردتهاجم پیوسته و دائمی شناختی و روانی قرار می‌گیرد. یکی از نتایج و پیامدهای جنگ شناختی ایجاد شکاف عمیق ارزشی، ادراکی، ایده‌آل‌ها و مطلوبیت‌ها در ذهنیت و رفتار فردی، گروهی جامعه با مطلوبیت‌ها و آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی است. دشمن در وهله اول با تردید افکنی و بی‌اعتبار سازی در نظام باورها، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و اهداف والای انقلاب اسلامی می‌پردازد و در وهله دوم درصدد تزریق و نهادینه‌سازی ارزش‌ها و هنجارهای سیاسی و فرهنگی تأمین‌کننده منافع استعماری خود در بین ملت ایران است. نقطه بسیار مهم این‌که کارکرد جنگ شناختی در تصرف اذهان و افکار یک ملت، هویت سوزی و هویت‌سازی، بسیار ضربه مهلک‌تر و خطرناک‌تر از حمله و تصرف سرزمینی یک ملت است چراکه قدرت شناخت و استقلال درونی و مقاومت افراد را از بین برده و نرم‌افزار مطلوب دشمن را در درون افراد نهادینه می‌نماید.

الف - تعریف جنگ شناختی

جنگ شناختی که عبارت است از وارونه نمایی واقعیت‌های مرتبط با ایران و تلاش برای تصرف و تسخیر ذهن و محاسبات مردم، نخبگان، و مسئولان از طریق جعل، تحریف، تقطیع و کتمان سازی حقایق و واقعیت‌ها، در کنار سایر ابعاد جنگ ترکیبی همچون جنگ سیاسی، محاصره اقتصادی، جنگ اطلاعاتی - امنیتی یکی از مهم‌ترین ابعاد و تکمیل‌کننده جنگ ترکیبی علیه ملت ایران و نظام اسلامی است. جنگ شناختی معطوف به ادراک سازی و تغییر محاسبات جامعه هدف است و به‌وسیله‌ی ابزارهای فرهنگی، رسانه (مجلات، روزنامه‌ها، کتاب‌ها، مصاحبه‌ها) تلویزیون، رادیو، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی توسط جبهه دشمن پیاده‌سازی می‌شود. در سال‌های اخیر با گسترش فعالیت شبکه‌های اجتماعی مجازی و شکل‌گیری نوعی عرصه نوین تقابلی و تخریبی در بستر این شبکه‌ها که ابزار اصلی دامن زدن به نبرد رسانه‌ای - روانی علیه ملت ایران است، جنگ جدیدی با محوریت تحریم و تحریف در جریان است و به‌عنوان جنگ شناختی از جایگاه بالایی در جنگ ترکیبی جبهه دشمن علیه نظام اسلامی برخوردار است.

ب- چرایی جنگ شناختی دشمن علیه ملت ایران

۱- تقابل جهان‌بینی اسلام ناب با مکتب لیبرالیسم و نظام سرمایه‌داری غرب در حوزه هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و فلسفه سیاسی

بنیادی‌ترین علت خصومت و دشمنی نظام سلطه با محوریت آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران برمی‌گردد به ارائه یک مدل جدید از نظام سیاسی و نظام ارزشی توسط گفتمان انقلاب اسلامی در جهان که متفاوت با حکمرانی‌های مرسوم و ارزش‌های لیبرال دموکراسی و سرمایه‌داری غرب است. در سند امنیت ملی آمریکا، به نام چند کشور به‌عنوان تهدید جدی اشاره شده که در عرصه اقتصادی و فناوری چین و در عرصه نظامی روسیه و در عرصه تمدنی و ایدئولوژیک کشور ایران در رأس تهدیدات امنیتی آمریکا مطرح شده است. علت اساسی آن ارائه یک مدل جدید حکمرانی دینی و ارزشی توسط جمهوری اسلامی ایران در برابر ایده‌ی اومانیستی غرب و ارزش‌های مادی آن است. این موضوع غرب را به لحاظ معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و فلسفه سیاسی در تقابل و تضاد با جمهوری اسلامی ایران قرار می‌دهد.

۲- منافع غرب اهمیت و موقعیت راهبردی غرب آسیا؛ تأمین پایدار انرژی نفت و گاز و موقعیت سوق‌الجیشی ایران

رویکرد استکبار جهانی به‌ویژه آمریکا در منطقه غرب آسیا، تسلط و سلطه کامل بر منابع و ذخایر عظیم نفت و گاز و همچنین تأمین پایدار امنیت جریان انرژی به غرب است چراکه صنعت و تمدن غرب متکی و وابسته به

منابع نفت و گاز است و بدون تأمین پایدار آن صنعت و اقتصاد غرب فرومی‌پاشد از طرفی عمده منابع و ذخایر نفت و گاز دنیا در منطقه غرب آسیا قرار دارد.

منطقه غرب آسیا به لحاظ جایگاه راهبردی منطقه حساسی است این منطقه ارتباط بین شرق و غرب و چهارراه ارتباطی آسیا، اروپا و آفریقا است بنابراین استعمارگران روی این منطقه توجه ویژه‌ای دارند و یکی از دلایل تأسیس رژیم غاصب صهیونیستی در این منطقه، گستراندن حیطه نفوذ و تضعیف کشورهای مستقل و ایجاد درگیری بین کشورها در راستای تسلط هرچه بیشتر بر منطقه است.

۳- شکست راهبردهای نظامی-امنیتی دشمن و تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران (شکست دشمن در جنگ سخت و نیمه سخت)

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران دشمن برای مهار انقلاب اسلامی ایران با تحریک و تشویق صدام برای حمله نظامی به ایران و تحمیل ۸ سال جنگ به ملت ایران درصدد از بین بردن قدرت و توان ایران برآمد و از طرفی با تحریک قومیتی و اقدامات تجزیه‌طلبانه چالش‌هایی را برای حکومت مرکزی جمهوری اسلامی ایران در اوایل انقلاب ایجاد کرد در ضمن اقدام به مسدودسازی دارائی مالی و تحریم‌های اقتصادی نمود اما راهبرد دشمن در تهاجم نظامی و حتی تحریم‌ها با مقاومت و صبر و

پایداری ملت و هدایت‌های رهبری حکیمانه با شکست مواجه شد. دشمن با شکست در عرصه نظامی امنیتی به سمت اقدامات هوشمندانه و بسیار ظریف و پیچیده روی آورد که امروزه از آن به‌عنوان جنگ شناختی یاد می‌شود هدف اصلی دشمن در جنگ شناختی ادراک سازی ذهن‌ها و شکل‌دهی به افکار و احساسات بر اساس منافع نامشروع خود است.

۴- گستردگی ابزارهای جنگ شناختی در کشور و کارآمدی جنگ شناختی در رویارویی با ملت ایران

«گستردگی استفاده از رسانه‌ها به‌عنوان ابزار جنگ شناختی به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی مجازی از یک‌سو و سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی دشمنان برای نفوذ در این رسانه‌ها باعث شده دشمن برای مدیریت ادراکات عمومی و نخبگی در کشور تلاش نمایند در این میان بن‌بست نمایی و تلقین آینده‌ای سیاه به جامعه مخاطب در زمره مهم‌ترین و اولویت‌دارترین اهداف دشمن در بستر رسانه‌ای و شبکه‌های مجازی کشور است.

روی آوردن به عملیات وسیع روانی- رسانه‌ای شیوه‌ای است که آمریکا در رویارویی با سایر رقبای خود در نظام بین‌الملل از آن بهره برده است موفقیت این شیوه نسبت به سایر روش‌ها و کم‌هزینه بودن و مؤثر بودن آن در تسلیم ملت‌ها و دولت‌ها باعث به‌کارگیری وسیع آن از سوی دشمن شده است. یک نویسنده آمریکایی به نام آبراهام سوفار می‌نویسد؛ بعدازآن که

جنگ‌افروزی و مداخلات نظامی و تحریم‌های اقتصادی نتوانست جمهوری اسلامی ایران را بعد از فروپاشی شوروی تبدیل به چالش اصلی نظام سرمایه‌داری شده بود از پای دریاورد، تجربه شیرین پیروزی بدون جنگ در قبال اتحاد شوروی، آمریکا را به فکر به‌کارگیری روش‌های مشابه در مواجهه با ایران انداخت. آنچه در این نبرد بارز است تخریب افکار و ساختارهای قوام‌بخش بانفوذ در عموم مردم، نخبگان جامعه و سیاستمداران و دولتمردان از درون یک جامعه است»^۱.

۵- تلاش دشمن برای تغییر موازنه قدرت به نفع خود

دلیل اصلی روی آوردن دشمن به تصویرسازی دروغین علیه جمهوری اسلامی ایران، بن‌بست نمایی، سیاه‌نمایی و هجمه وسیع و بی‌سابقه رسانه‌ای - تبلیغاتی، ضعف و ناتوانی در دست یافتن به موقعیت و قدرت برتر در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران است. در نظام بین‌الملل جنگ روانی - رسانه‌ای علیه بازیگرانی صورت می‌گیرد که به میزان کافی از قدرت و استحکام درونی برخوردارند و حاضر به تسلیم و رفتار در راستای ترجیحات و منافع بازیگران قدرتمند نشده‌اند. بنابراین

^۱ - سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع، (۱۴۰۱)، روش پیاده‌سازی جهاد تبیین با رویکرد جنگ

شناختی، تهران، انتشارات دفاع

جنگ روانی - رسانه‌ای با بن‌مایه سیاه‌نمایی و تصویرسازی دروغین به شدت علیه کشوری که تسلیم‌ناپذیر است، به کار گرفته می‌شود.

۶- وجود چالش‌ها و مشکلات در داخل کشور

چالش‌ها و مسائلی که عموم مردم با آن‌ها درگیر هستند مانند افزایش مداوم نرخ تورم، کاهش ارزش پول ملی، بیکاری، وقوع فسادهای مختلف در نظام اداری و بانکی، رفتار ناشایست با مردم در برخی از نهادها مثل قوه قضائیه، اشرافی‌گری برخی از مسئولین و خانواده‌های منتسب به آن‌ها از جمله مهم‌ترین عوامل و بسترهای تأثیرگذاری جنگ شناختی دشمن است. جبهه دشمن با برجسته‌سازی این مسائل و مشکلات و نسبت دادن آن‌ها به اصل نظام اسلامی و گفتمان انقلاب اسلامی و کارگزاران عالی‌رتبه، درصدد تخریب و تیره‌وتار نشان دادن آینده کشور و ناامید سازی مردم بخصوص جوانان است. به‌ویژه مسائل و مشکلات اقتصادی و معیشتی عاملی برای راهبران جنگ شناختی دشمن شده تا با جعل، دروغ‌پردازی، تهمت و انواع عملیات روانی، امید و تحرک و پویایی مردم را از بین ببرند.

ج- چگونگی جنگ شناختی (مؤلفه‌ها و حوزه‌های تمرکز جنگ شناختی)

۱- دخل و تصرف در تحلیل‌ها و دست‌کاری در محاسبات

دشمن با اطلاعات غلط و تحلیل داده‌های دست‌کاری شده و تحریف و وارونه‌نمایی واقعیت‌های مرتبط با ایران، تلاش منسجمی را برای ادراک سازی و تغییر محاسبات مردم و مسئولان از پدیده‌ها و مسائل را در پیش‌گرفته و درصدد تأثیرگذاری بر نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری مسئولان و برداشت و تلقی مردم از سیاست‌ها و اقدامات مسئولان بر مبنای تحلیل و تفسیر القایی سوء و جهت‌دار می‌باشند. جبهه دشمن در این مرحله می‌کوشد تا علیه ایده‌ها، ساختارها، کارگزاران، سیاست‌ها و اقدامات جمهوری اسلامی را نزد مردم بی‌اعتبار و فاقد اثربخشی با دوگانه‌انگاری منافع مردم با منافع نظام، معرفی نماید.

۲- ایجاد فضای احساسی و عاطفی کور نسبت به پدیده‌های سیاسی و اجتماعی

دشمن با ایجاد فضای کاذب احساسی و عاطفی کور در عموم مردم ایران در رابطه با مسائل و موضوعات حادث شده در کشور درصدد تصرف ذهن فعال و منطقی مخاطب در مواجهه و شناخت و تحلیل صحیح پدیده‌ها است تا بتواند روایت مجعول و تحریف‌شده خود را در ذهن و افکار مخاطب جای بیندازد. با فعال‌سازی احساسات منفی مثل احساس تنفر و

کینه در مخاطب نسبت به حکومت و کارگزاران آن و نهادهایی مثل بسیج، سپاه و نیروی انتظامی، قوه استقلال فکری و استدلال منطقی و شناخت صحیح را از مخاطب گرفته و با تکرار و تلقین مداوم گزاره‌های خبری جهت‌دار درصدد جهت‌دهی به اذهان و افکار و رفتار متناسب با اهداف استعماری خود است.

۳- تلاش برای تغییر در نگرش‌ها و بینش‌ها

نگرش‌ها و بینش‌ها اساس تفکر و اندیشه راهبردی را تشکیل می‌دهند. این که جهان، جهان رقابت، منازعه و جنگ است با جهان رقابت، همکاری و همبستگی متفاوت است. اعتقاد به هر کدام از آن‌ها نگرش تصمیم‌گیرندگان را به شدت تحت تأثیر قرار داده و آن‌ها را به سیاست‌ها و راهبردهای متفاوتی سوق می‌دهد.

یکی از روش‌های دشمن برای تغییر بینش و نگرش‌های افراد در کشورهای در حال توسعه یا توسعه‌نیافته از طریق اعطای بهابازار تحصیلی به دانشجویان و برخی از مسئولین و یا افراد مستعد برای کسب مناسب حکومتی است. جبهه دشمن با ایجاد نگرش مثبت تک‌بعدی و خوش‌بینی در مسئولین و نخبگان و آحاد مردم نسبت به غرب درصدد تغییر بینش واقع‌بینان به اهداف و سیاست‌های نوین استعماری غرب برای تسلط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بر سایر کشورها است. در قضیه برجام خوش‌بینی مسئولان وقت

نسبت به غرب باعث غفلت راهبردی در مفاد و اجرای برجام گردید به طوری که ایران همه تعهدات برجامی را یک دفعه قبل از انجام تعهدات غرب و رفع تحریم‌ها انجام داد ولی بابتی عملی طرف مقابل در رفع تحریم‌ها و عمل به تعهدات مواجه شد.

۴- تغییر در ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی

ارزیابی مثبت یا منفی از یک پدیده، به ارزش‌های افراد بستگی دارد. اگر بتوان در یک جامعه ارزش‌های مردم را تغییر داد، آن‌ها آنچه را که قبلاً "بد" می‌دانستند، بعد از مدتی "خوب" ارزیابی خواهند کرد. دشمن به منظور تغییر ارزش‌ها بر اساس یک نقشه عملی پیش رفته است به طور تدریجی و مرحله‌ای تا کسی متوجه فرایند تغییر ارزشی جامعه نشود و بعد از اینکه آثار و پیامدهای تغییر ارزشی در جامعه نمودار گردید دیگر علاج کار بسیار سخت خواهد بود.

دشمن با روش‌های فرهنگی و تبلیغاتی درصدد از بین بردن ارزش‌های معنوی، خداپرستی، ساده زیستی، فروتنی، الفت، همبستگی و انسجام، انتظام، هویت ملی و دینی و جایگزینی مادی‌گرایی، تجمل‌گرایی، کبر و تکلف، تضاد، فردگرایی نابسامانی، آشفتگی و وطن‌گریزی در نظام اجتماعی جمهوری اسلامی ایران است. هدف دشمن از این نقشه از بین

بردن استقلال و آزادی و هویت اصیل ملت ایران و روحیه ایثار و مقاومت در برابر نظام سلطه است.

د- اهداف دشمن در جنگ شناختی

اهداف دشمن در جنگ شناختی هم‌راستا و هم‌جهت با اهداف کلان آن در قبال انقلاب اسلامی است در واقع جنگ شناختی، بخش مهمی از جنگ ترکیبی دشمن است. چنانچه دشمن در جنگ شناختی علیه ملت ایران با شکست مواجه شود و نتواند به اهداف خود برسد در سایر ابعاد و مولف های جنگ ترکیبی هم با شکست و ناکامی مواجه خواهد شد.

۱- تخریب عوامل ماندگاری و پایداری انقلاب اسلامی

هدف راهبردی و بلندمدت دشمن در جنگ شناختی علیه ملت ایران تمرکز بر از بین بردن عوامل پایداری و ثبات انقلاب اسلامی است. مقام معظم رهبری در این زمینه فرمودند: «تمام تلاش دشمنان در طول سال‌های گذشته اعم از جنگ تحمیلی، محاصره اقتصادی و تحریم‌های گسترده‌ی اخیر، باهدف از بین بردن ماندگاری انقلاب اسلامی بوده است». بنابراین جنگ شناختی به‌عنوان تکمیل‌کننده طرح چندجانبه دشمن برای از بین بردن عوامل ماندگاری و پایداری انقلاب اسلامی است. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مردم قم ۱۳۹۴/۱۰/۱۹)

۲- بدیل سازی برای جمهوری اسلامی ایران

جبهه دشمن در تلاش است تا با جنگ شناختی و بن بست نمایی از وضعیت کنونی کشور از یک سو و تغییر قضاوت نسبت به رژیم پهلوی به نوعی، زمینه ها و بسترهای لازم اجتماعی را برای پذیرش بدیل برای جمهوری اسلامی ایران مهیا نماید. در این راستا مقام معظم رهبری فرمودند: « مردم ما نسبت به رژیم فاسد و مستبد گذشته باورهایی دارند که در جنگ نرم تلاش بر این است تا این گذشته زشت و سیاه به گذشته ای درخشان و زیبا تغییر یابد. آن ها می خواهند با تغییر باور به گذشته، نتیجه بگیرند که لزومی به وقوع انقلاب اسلامی برای از بین بردن آن گذشته، وجود نداشته است.» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس و مدیران سازمان صداوسیما، ۱۳۹۴/۷/۲۰)

۳- ادراک سازی جعلی برای مردم، نخبگان و مسئولان

یکی از اهداف در جنگ شناختی - ادراکی تغییر ذهنیت عموم مردم و نخبگان از وضعیت کنونی، گذشته و آینده کشور در راستای اهداف دشمن برای تسلیم سازی و تبعیت پذیری از نظام سلطه صورت می پذیرد. دشمن با ادراک سازی و کانالیزه کردن ادراکات مردم و روی آوردن به عملیات روانی و رسانه ای برای تیره و تار نشان دادن اوضاع کشور و از بین بردن امید نسبت به بهبود اوضاع درصدد است تا با شیوه ای تدریجی و بی صدا، عموم

مردم و نخبگان را در قبال سرنوشت و آینده کشور دچار بی‌تفاوتی و بی‌عملی کند.

۴- از بین بردن پویایی درونی جامعه و حاکم سازی ناامیدی و بی‌حرکی

تلاش دشمن برای از بین بردن پویایی درونی جامعه ایرانی و مهاجرت نخبگان و کارآفرینان با ارائه تصویر نامطلوب و تاریک از آینده کشور به منظور ناامید سازی قشر مولد و پیشرو، ایجاد تنبلی اجتماعی، حاکم شدن رکود، کسالت در بدنه جامعه است. اگر یک جامعه‌ای امید خود را از دست بدهد پویایی، نشاط، همت و تلاش برای ساخت آینده‌ای بهتر و کشوری قدرتمند و توانمند را از دست خواهد داد و همچنین فرایند پیشرفت و توسعه کشور دچار آسیب‌های جدی خواهد شد.

۵- مصادیق و حوزه‌های عملیاتی جنگ شناختی

دشمن برای دستیابی به اهداف کلان مذکور در بند (ت) به صورت عملیاتی حوزه‌های ذیل را مورد حمله رسانه‌ای - تبلیغاتی قرار داده است:

۱- شبهه آفرینی درباره اسلامیت نظام و کارایی دین در اداره جامعه

۲- حمله به کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران

۳- حمله به ولایت فقیه و ولی فقیه

۴- شبهه آفرینی درباره نقش دین در ۴۴ سال انقلاب

۵- تخریب نهادهای انقلابی مانند سپاه و بسیج

۶- تحریف محکومات اسلام

۷- تحریف اندیشه، شخصیت، عملکرد و مواضع و جهت‌گیری‌های امام

خمینی

۸- تحریف واقعیت‌ها و حقایق دهه شصت انقلاب

۹- تحریف اصول و مبانی انقلاب

۱۰- تحریف و شبهه و کتمان سازی دستاوردهای انقلاب

۱۱- تحریف دفاع مقدس

۱۲- تحریف واقعیت‌های جهت‌گیری‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران

۱۳- تحریف واقعیت‌های پیشرفت و فناوری‌های علمی و نظامی کشور

۱۴- تحریف واقعیت‌های جامعه آمریکا و اروپا؛ و بزک کردن غرب جهت

مرعوب‌سازی

۱۵- تحریف حقایق و واقعیت‌های رژیم پهلوی و تطهیر آن

۱۶- دامن زدن به اختلافات مذهبی و قومی»^۲

«۱۷- زیر سؤال بردن استقلال سیاسی

۱۸- تخریب توان دفاعی کشور و کتمان سازی موفقیت‌ها و دستاوردهای

علمی و فناوری

^۲ - باقری، سیامک، (۱۴۰۰)، جهاد تبیین در شرایط تهاجم ترکیبی دشمن، قم، انتشارات زمزم

- ۱۹- اتهام زنی در حوزه آزادی و حقوق بشر
 ۲۰- هجمه به دکترین مقاومت و استکبارستیزی.^۳

و- عوامل و بازیگران جنگ شناختی

«یکی از ویژگی کم سابقه تهاجم ترکیبی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران، تکرر و تراکم مهاجمان به هم مرتبط است که دارای کار ویژه عمل جبهه‌ای، هدفمند و با سناریوهای مشترک و هم‌زمان هستند. مهاجمان اصلی این جنگ، محور غربی، عربی و عبری و ایرانی وابسته و ضدانقلاب هستند.

۱- غرب

امریکا بازیگر اصلی در جنگ ترکیبی علیه ایران است. یکی از اقدامات آن‌ها برای تهاجم ترکیبی، اتحاد و ائتلاف بین گروه مخالف‌های مختلف و معارض ایران اعم از سلطنت‌طلبان، جمهوری‌خواهان، تجزیه‌طلبان قومی و گروه‌های معاند مذهبی و هماهنگ کردن راهبردها و تاکتیک‌های آن‌ها بر ضد جمهوری اسلامی ایران است. امریکا راه‌اندازی رسانه‌های فارسی‌زبان و به‌کارگیری ضدانقلاب و مخالفان ایران در این رسانه‌ها و مدیریت رسانه‌های فارسی‌زبان برای برخورد هماهنگ و هم‌افزا را بر عهده داشته است. شبکه‌سازی به‌عنوان یکی از فرایندهای اصلی در طراحی و مدیریت

^۳- سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع، (۱۴۰۱)، روش پیاده‌سازی جهاد تبیین با رویکرد جنگ

شناختی، تهران، انتشارات دفاع

موفق براندازی نرم در راهبرد امریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آید.

گرچه دولت‌های غربی مانند فرانسه، آلمان، انگلیس و کانادا در کنار امریکا در جنگ ترکیبی علیه ایران نقش‌آفرین هستند، اما در این بین، انگلیسی‌ها که همواره در کنار امریکا بوده‌اند، نقش ویژه و کلیدی در این جنگ دارند و بسیار حرفه‌ای عمل می‌کنند. بهره‌گیری این کشور از جنگ روانی با ابزار رسانه علیه ایران سابقه زیادی دارد. یک نمونه اشغال ایران در سال ۱۳۲۰ است که ابتدا با عملیات روانی، خطر فعالیت جاسوسان آلمانی در ایران را بزرگ‌نمایی نمودند و سپس قوای خود را وارد ایران کردند. در زمینه‌سازی این اشغال، لم بتون، وابسته مطبوعاتی سفارت انگلیس در تهران، از طریق تهیه گفتارها و تفسیرهایی که از برنامه فارسی «بی.بی.سی» لندن پخش می‌شد جایگاه محوری داشت و تقریباً تمامی مطالبی که علیه شخص رضاشاه در شهریور سال ۱۳۲۰ از برنامه فارسی بی‌بی‌سی پخش شد، توسط لم بتون تهیه و به بی.بی.سی مخابره می‌شد. هم‌اکنون شبکه بی.بی.سی برنامه‌ریزی خود را برای ۱۷۰ میلیون مخاطب فارسی‌زبان با بهره‌گیری از ۱۵۰ خبرنگار، ۱۵۰ نیروی فنی و ۵۰ نیروی اداری و با تمرکز بر بیش از صد دفتر خبری در دنیا طراحی نموده و به شدت علیه ایران فعالیت می‌کند.

۲- رژیم صهیونیستی

این رژیم نیز همه امکانات سخت‌افزاری، نرم‌افزاری خود را در این تهاجم ترکیبی علیه ایران بسیج کرده است. مأموریت یگان نظامی ۸۲۰۰ این رژیم، یکی از اقدامات نرم‌افزاری علیه ایران به شمار می‌آید. گفته می‌شود در این یگان حدود پانصد زن و مرد که همگی به زبان فارسی مسلط بوده و در زمینه علوم کامپیوتری نیز بین آنان هکرهای ماهری وجود دارد که روزانه فقط پشت کامپیوتر می‌نشینند و به تولید پیام‌ها و ارسال آن به مرتبطين خود در داخل و خارج کشور می‌پردازند. به‌طور مثال یکی از توئیت‌های این مرکز برای ایرانی‌ها این است: «من رقص دختران هندو را از نماز پدر و مادرم بیشتر دوست دارم. چون آن‌ها از روی عشق می‌رقصند و این‌ها از روی عادت نماز می‌خوانند!!» ارتش مجازی «هازبارا» ظرفیتی دیگری است که تلاش دارد افکار عمومی ایران را مهندسی نماید.

۳- عربستان سعودی

نقش سعودی‌ها به‌ویژه از زمان محمد بن سلمان نیز در این جنگ ترکیبی قابل‌توجه است. این کشور نیز با همه ابزارهای سخت و نرم در راستای راهبرد مهار و فروپاشی ایران نقش‌آفرینی می‌کند. سعودی‌ها در حوزه سخت‌افزاری و نرم‌افزاری رسانه‌ها برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی مردم ایران سرمایه‌گذاری هنگفتی را انجام داده است. این کشور با تأسیس مرکز

سایبری موسوم به «مرکز اعتدال» که مقر مرکزی آن در شهر ریاض است، با مأموریت طراحی و اجرای عملیات روانی و ناآرام کردن محور مقاومت و ایران پا به پای محور غربی و عبری عمل می‌کند. یکی از شواهد عمل ترکیبی این نوع مراکز در هجمه علیه ایران، پشتیبانی گسترده اندیشکده‌ها و سرویس‌دهنده‌های بزرگی چون فیس‌بوک، توئیتر و گوگل از این مرکز است، به‌گونه‌ای که این سرویس‌دهنده‌ها، پایش و تحلیل محتواهای سفارش داده‌شده را به‌صورت انبوه و یا موردی برای این مرکز انجام می‌دهند. یکی از عملیات مهم مرکز اعتدال از ابتدای تأسیس، راهبری اغتشاشات خیابانی و تخریب اعتماد عمومی به نظام‌های حاکم در لبنان، عراق و ایران در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ در بستر شبکه‌های اجتماعی بوده است. محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی به‌موازات راهبرد ترامپ و نتانیاهو گفته بود: «ما جنگ را به داخل ایران می‌کشانیم.» درهرصورت، تلاش‌های سعودی‌ها در چهار حوزه سیاسی، اقتصادی، نظامی و رسانه‌ای برای مغلوب کردن نظام جمهوری اسلامی ایران به پررنگ‌ترین شکل ممکن ادامه دارد.

۴- ضدانقلاب و مخالفان

این محور از سلطنت‌طلب گرفته تا منافقین، ملی‌گراها، مارکسیست‌ها و سبزه‌ها، بهاییان و دیگر فراریان ضدانقلاب و... به‌مثابه پیاده‌نظام مثلث غربی، عربی و عبری عمل می‌کنند. مهم‌ترین مأموریت این محور در جنگ ترکیبی،

مشورت‌های تخصصی از شرایط ایران به بازیگران اصلی جنگ ترکیبی، مدیریت رسانه‌ای جنگ شناختی، روانی، نفوذ و جاسوسی و موج‌سواری بر مشکلات داخل کشور است. هر یک از گروه‌ها و شخصیت‌های ضدانقلاب خارج نشین بانگیزه‌ها و تاکتیک‌های مختلف به تناسب ظرفیت‌هایی که دارند، دارای نقش‌هایی در ذیل راهبردهای مثلث مزبور هستند. به‌عنوان نمونه عملکرد منافقین نشان می‌دهد که در این جنگ مأموریت چندمنظوره‌ای بر عهده دارد. در واقع از زمانی که این گروهک تروریستی با هواپیماهای مسافربری آمریکایی به آلبانی منتقل شد، با حمایت‌های مالی و دیپلماتیک دولت‌های غربی به‌ویژه آمریکا، انگلیس، رژیم صهیونیستی و سعودی‌ها تمام‌قد علیه ایران فعالیت می‌کنند. یکی از مراکز مهم عملیات آن‌ها علیه ایران، در یک زمین ۳۴ هکتاری در قلب آلبانی است که آمریکایی‌ها به این گروهک هدیه داده و با دلارهای سعودی‌ها، مجهز به همه امکانات موردنیاز آن‌ها برای جنگ شناختی علیه ایران شده است. شبکه الجزیره در گزارشی نشان داد چگونه گروه تروریستی سازمان منافقین عمدتاً در کمپ‌هایی مجهز در آلبانی با استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر افکار عمومی مردم ایران و مردم جهان تأثیر می‌گذارد. ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ تن از اعضای این گروه تروریستی برای مدیریت ده‌ها هزار حساب کاربری فعالیت می‌کنند که با دستورالعمل‌های مشخصی سازمان‌دهی می‌شوند. آن‌ها

در این مأموریت، در کمپ آلبانی هزاران حساب مجازی را با نرم افزارهای روباتی و به صورت خودکار مدیریت می کنند. دولتمردان آمریکایی مانند جان بولتون ارتباط بسیار نزدیکی هم با منافقین دارند. جان بولتون دیدارهای متعدد با مریم رجوی، و حضور و سخنرانی در برخی از برنامه های عمومی این گروه داشت. بولتون تابستان سال ۱۳۹۷ در گردهمایی سازمان مجاهدین وعده داد «تا قبل از سال ۲۰۱۹م، ما که اینجا هستیم، در تهران جشن خواهیم گرفت.» آمریکایی ها و سایر دولت های محور جنگ ترکیبی بر روی سلطنت طلب ها هم حساب ویژه ای باز کردند. این جریان از پشتیبانی های اطلاعاتی و امنیتی و مالی امریکا، انگلیس و صهیونیست ها و دلارهای نفتی سعودی ها ارتزاق می کند. انجمن پادشاهی ایران که با نام تندر نیز شناخته می شود، یکی از گروهک های سلطنت طلب تروریستی است که برای بی ثبات سازی در داخل ایران ساخته شد و پس از چند سال وزارت اطلاعات موفق شد جمشید شارمهد، رهبر این گروهک و مدیر رادیو تندر را طی «عملیاتی پیچیده» در تاریخ ۱۱ مرداد ۱۳۹۹ دستگیر نماید.»^۴

۴ - باقری، سیامک، (۱۴۰۰)، جهاد تبیین در شرایط تهاجم ترکیبی دشمن، قم، انتشارات زمزم

جمع‌بندی و ارائه راهکارها و راهبردهای مقابله با جنگ شناختی جبهه دشمن

در جنگ شناختی دشمن تلاش می‌کند تا علیه گفتمان انقلاب اسلامی، ساختارها و نهادهای بر خواسته از آن، کارگزاران و سیاست‌ها و اقدامات جمهوری اسلامی ایران چه در سطح داخلی، منطقه‌ای و جهانی با به‌کارگیری عملیات روانی - رسانه‌ای، شیوه‌ها و تکنیک‌های جنگ شناختی در سطح افکار عمومی به‌ویژه نسل‌های بعدی انقلاب و قشر جوان بی‌اعتبار و فاقد اثربخشی معرفی نماید. لازم به ذکر است که این تلاش‌ها در سه سطح کارگزار (بی‌اعتبار سازی مسئولان و مدیران ارشد نظام)، ساختار (قانون اساسی، نظام سیاسی و مجموعه قواعد و ترتیبات قانونی حاکم) و سیاست‌ها و اقدامات انقلابی و تحول‌خواه با توسل به مغایر نشان دادن نظام اسلامی با منافع و معیشت مردم، بی‌تفاوت جلوه دادن مسئولان نسبت به مسائل و مشکلات مردم و بزرگ‌نمایی ضعف در عملکرد مسئولان به همراه ناکارآمد نشان دادن ساختارهای رسمی با تصویرسازی دروغین از واقعیت‌های کشور انجام می‌شود.

بنابراین ضرورت دارد برای مقابله با اقدامات و راهبردهای خصمانه دشمن در به‌کارگیری جنگ شناختی علیه ملت ایران، راهکارها و راهبردهای ذیل مورد توجه جدی قرار گیرد:

- شناخت دشمن و شناسایی نقاط ضعف و ناتوانایی‌ها و آسیب‌پذیری‌ها.

- حفظ آمادگی همه‌جانبه بر اساس نقاط ضعف و قوت دشمن و عدم غافلگیری.
- جهاد تبیین با بهره‌گیری از شیوه‌ها و تکنیک های علوم شناختی و روانشناسی اجتماعی.
- افزایش آگاهی و سواد فضای مجازی در نظام تعلیم و تربیت از دوران دبستان و استمرار این آموزش در همه سطوح و قشرهای نظام اجتماعی.
- ارتباط‌گیری صمیمی مسئولین و نخبگان کشور با نسل چهارم و پنجم انقلاب برای ادراک نسل جدید و ادراک سازی.
- امیدآفرینی و افزایش سرمایه اجتماعی با اقدامات تحولی در هر سه قوه و نهادهای حاکمیتی .
- تسریع در حل مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم .
- اجرای عدالت در همه حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، قضایی و سیاسی .
- تلاش برای پیشرفت همه‌جانبه کشور و الگو یابی از بخش‌های موفق و تسری آن به سایر بخش‌ها.
- ایجاد نظام شایسته‌سالاری و سپردن کارها و امورات کشور به دست افراد کاردان و بانگیزه قوی الهی.

- ارتقای حکمرانی و توانمندسازی دولت و کارآمد سازی نظام اداری.
- افزایش آگاهی تاریخی در نظام اجتماعی و ارزش گذاری و ارزش یابی بر اساس مطالعات تاریخی افراد و ایجاد علاقه و تشویق نظام مند برای مطالعه تاریخ کشور.
- مهم ترین اقدامات مسئولین کشور در راستای افزایش اعتماد عمومی نسبت به نظام و مسئولان شنیدن نظرات، مباحث، سؤالات و مطالبات مردم با بزرگواری.
- پرهیز از به کارگیری مدیران و مسئولان منفعل و سست عنصر و رفاه طلب و ناآشنا با امورات حوزه مسئولیتی.
- جلوگیری از دوقطبی سازی ها در سطح جامعه تحت هر عنوان.
- ایجاد نظام عادلانه در پرداخت حقوق و مزایا.
- تلاش برای نهادهای سازی عدالت اجتماعی، عدالت قضایی و عدالت اقتصادی و برابری فرصت ها
- گردش نخبگان سیاسی - مدیریتی به جای چرخش نخبگان.
- کاهش شکاف و فاصله های طبقاتی با ابزار نظام مالی و پولی.
- مبارزه عمیق و پیوسته با فساد و رانت خواری و جلوگیری از مداخلات سودجویانه و منافع محور در تصمیمات اقتصادی.

- ارزیابی و تصمیم ملی نسبت به رفتار کارکنان و کارگزاران دولتی با مراجعه‌کنندگان به سازمان‌ها و ادارات دولتی و حاکمیتی و اصلاح رویه‌های ناراضی‌سازی مردم.
- ارتباط‌گیری نزدیک و صمیمی مسئولان با عموم مردم.
- مبارزه جدی با اشرافی‌گری برخی از مسئولان و اصلاح سبک زندگی بخصوص میان مدیران اشرافی و پرهیز از اشرافی‌گری نهادی و حیف‌ومیل اموال
- پیوند و ارتباط‌گیری صمیمی، درک و فهم نیازها و مطالبات نسل جدید در راستای پاسخگویی و انتقال ارزش‌ها.
- مهم‌ترین اصل که محورهای مطرح در بخش پایانی را اثربخش و کارساز می‌نماید، تلاش جهاد گونه و دغدغه‌مندانه کارآمد سازی نظام اسلامی در سطوح محلی، استانی و ملی در همه بخش‌های حکمرانی است.